**کهنه کتابها درباره ایران**

**افشار، ایرج**

فرنگیها از هنگامی که با مشرق ارتباط یافتند همواره کتابهایی در توصیف‏ جغرافیایی مشرق و بیان اوضاع و احوال مشرقیان و چگونگی حکومت درین قسمت‏ عالم و دیگر مباحث اجتماعی و تاریخی نوشتند که همواره مورد توجه مردمان سرزمین‏ خودشان بود و علم و اطلاع آنان را وسعت می‏بخشود.

همین نوع کتابها اساس و پایه و بهترین مایه برای خاورشناسان بعد بود و سالیان دراز کتابهایی چون سفرنامه و بیان احوال ممالک شرق از منابع و مآخذ مهم‏ شرقشناسی شمرده میشد.

سفرنامه‏ها غالبا جنبهء جغرافیایی دارد،اما اگر نویسندهء آن مایه‏ای از هنر داشته باشد و اثرش بشیوه‏ای ادیبانه پرداخته شود جلوه‏ای دیگر میگیرد و جایی‏ بهتر در میان کتابها باز می‏کند.

سفرنامه‏هایی که از قرون شانزدهم و هفدهم شهرت یافته است تنها بسبب فواید جغرافیایی و تاریخی آنها نیست.هنر نویسندگان آنها بی‏تردید در نامدار شدن‏ سفرنامه تأثیر داشته است.

\*\*\* کتبی که فرنگیها در قورن شانزدهم و هفدهم و حتی هجدهم دربارهء ایران‏ نوشته‏اند و علی الخصوص سفرنامه‏ها یا نوشته‏هایی که در بیان اوضاع و احوال ایران‏ در عصر مؤلفین آن آثارست،برای ما واجد اهمیت بسیار و جالب‏تر و گیراتر از دیگر کتبی است که در آن ایان در مباحث تحقیقی تألیف شده است.علت هم واضح است. کتب تحقیقی با گذشت زمان کهنگی می‏پذیرد،تازگی تحقیق و تتبع از آنها می‏رود و اصول تحقیقی آن کتابها غالبا دگرگونی میگیرد و بسا که پس از ده بیست سال‏ از درجهء اهمیت و اعتبار علمی می‏افتد.اما سفرنامه یا کتابی که در بیان احوال دورهء خاصی باشد و مؤلف آن اثر هم در تألیف دقت و بصیرت تام بکار برده باشد هیچگاه‏ تازگی و اعتبار و فایدهء خود را از دست نمی‏دهد و همواره مرجع و مآخذ اهل تحقیق‏ باعتبار صحت و دقت و مورد توجه خوانندگان عادی باعتبار بدیع بودن خواهد بود.

پس این نوع از کتب که فرنگیها دربارهء ایران نوشته‏اند همواره خواندنی و روایت کردنی است.بخصوص که در میان خود ما مرسوم نبوده است که مؤلفانمان‏ احوال اجتماعی و عرف و عادت و دیگر بدایع زندگانی ملی را مورد نظر قرار بدهند و در آثار خویش صحنه‏هایی را که گذرنده است و با پیشامدها رنگ تأثر می‏پذیرد ضبط و تدوین کنند.

\*\*\* درین سفری که به فرنگ رفته بودم و چندین کتابخانه و کتابفروشی را دیدم‏ به پاره‏ای کتابها برخوردم که در طهران نشانی و اثری از آنها ندیده بودم و شاید که برای اهل تحقیق ایرانی هم آن کتابها ناشناخته مانده باشد.

درین سی چهل سال اخیر که ترجمهء کتابهای فرنگی رواج یافته تنها چند کتاب فرنگی است که نامدار شده است و آنها را بفارسی نقل کرده‏اند،مانند سفرنامه‏های شاردن و تاورنیه.اما چه بسیار کتابهای خواندنی و پر سود دیگرست که‏ باید به فارسی برگرداند و آنها را مورد تدقیق و تفسیر قرار داد مانند سفرنامه‏های‏ «اولئاریوس»و«هربرت»و«هنوی»و«دوگوا»و«فیگورا»و«ماندلسو»و «واله»و تألیفات«رافائل دومان»و«تشرا»و«بدیک»و دیگران،که متأسفانه‏ تاکنون التفات و عنایتی نسبت بآنها نشده است.

با توجه بهمین نکته‏ها که یادآوری شد درین رشته مقالات که در مجلهء یغما درج خواهد شد عده‏ای ازین گونه کتابها را بخوانندگان می‏شناسانم.

1-داستان مسیح‏ Historia Chriali Persice قطع رقمی-12 برگ+640 ص

این کتاب در سال 1639 میلادی(1049 هجری)یعنی یازده سال پس از مرگ شاه عباس اول و در دورهء پادشاهی شاه صفی در شهر لیدن( Leiden )از شهرهای هلند چاپ شده است.چاپ و کاغذ آن زیبا و خوب است.تا آنجا که من جستجو کرده‏ام‏ «داستان مسیح»کهنه‏ترین کتاب مستقل فارسی است که به چاپ رسیده است‏1.

نام کامل این کتاب را مؤلف«داستان مسیح اما آلوده»می‏نویسد.برای‏ شناساندن این کتاب و مؤلف و مترجم و سبب تألیف آن بهتر آنست که قسمتهایی از خود کتاب نقل کنم که هم شیوهء تحریر آن نموده میشود و هم اطلاعات کتابی لازم‏ دربارهء آن بدست می‏آید.

«...اکنون این قصه از جهت آن آوردم که چون پادشاه جهان پناه(یعنی اکبر شاه)داستان‏ کمالات حضرت ایشوع و سرّ بزرگی او باختلاف روایات شنوده آرزو فرمودند که پاره‏[ای‏]2از خجسته احوال او چنانچه هست بکوش همایون رسد.از حق جویی و دانش دوستی باین کمترین‏ دعا گویان پادری‏3ژیرونیمو4که به آستان بوسی روشن پیشانی است اشارت‏ شد که هر آنچه از گفتار و کردار آن حضرت در کتب خود داریم بفارسی گزارش دهیم.به گمان‏ آنکه شاید همچون کسی که چهل سال درین شغل بسر برده و هفت یا هشت سال در آموختن فارسی‏ صرف کرده این خدمت را بجا آرم....کمر همت بر میان بستم...اگر درآوردن این کتاب و شبیه آن دیر کردم براستی ازین بود که چند دفعه‏5ترتیب دادم و بطور خود تمام ساختم. لیکن هر بار که تمام کرده از مسوده بپاکیزگی آوردم چون فارسی را بکتابهای لطین‏6مقابله کردم‏ دل را تسلی نشد و آنچه کامل بود ناقص نمود تا آنکه خود را از کار خودخجل یافتم و از کم مایگی‏ و نارسایی نا امید شدم.پس از دعای فراوان و نیاز بسیار عنایت الهی‏7و اقبال حضرت ظل اللهی‏8 یاور شد و درین مرتبسهء یقین تسلی شدم و دل قرار گرفت.بنابرین دلیری‏[کردم‏]و بدین آستان‏ راستان آوردم،خواست حضرت ایشوع باشد که حضرت را و دیگر مسامعان ر خوش وقت سازد. میتوانم که بگویم که ازین همه چیزها که در زمان حضرت بفارسی ترجمه شده‏اند اینست سزاوار آنکه‏ بدان نازش فرمایند چون معلوم نیست که در دیگر زمان بفارسی آمده باشد یا از آنک فارسی‏دان‏ از زبان لطین‏6بیخبر بود یا لطین‏6میدانست فارسی را نمی‏فهمید.

پوشیده نماند که این کتاب بر چهار باب ترتیب یافت.در باب نخستین از گاه ولادت حضرت‏ ایشوع تا آغاز تعلیم حال او بیان و در باب دوم معجز[ه‏]ها و عجایبات او که نمود پاره‏ای از آنچه‏ (1)-صنعت چاپ در سال 1469 میلادی پدید آمد.نخستین کتاب که بخط عربی به چاپ رسید کتاب الشفای ابن سیناست که در شهر رم(ایطالیا)بزیور طبع آراسته شد.تاریخ نخستین چاپخانهء ایران را که بطبع کتاب فارسی موفق شد در عهد عباس میرزا و در تبریز دانسته‏اند.

(2)-میان‏[]افزودهء نویسندهء این سطور است.

(3)-پادری:این کلمه از عهد سلاطین‏ صفوی در ایران و پادشاهان تیموری در هند رواج یافت و خطابی بود برای کشیشان.در لغت نامه‏ مینویسند که ظاهرا از لفظ لاتینی«پاتر»آمده است.آنندراج می‏نویسد:«به زبان فرنگ‏ عالم و فاضل».

(4)-این نام بخط فرنگی چنین است Hieronymo Xavier .

(5)-اصل:دفع

(6)-مقصود«لاتین»است.

(7)-اصل:الاهی

(8)-اصل:الاهی

آموخت و در باب سیوم مرگ او و جفاها و منتها که به جهت سلامتی مردم و حمنت ایشان‏ کشید و در باب چهارم کیفیت برخاستن او از قبر و رفتن او بر آسمان نوشتم‏1آنچه میتوانستم‏ که نویسم...و بجهت افزونی اعتقاد این چیزها واجب شد که آگاه سازم که بیشتری ازین‏ چیزها از انجیل مقدس نوشتم و از نوشتهء دیگران چشم بستم و تا نیک معلوم شود ما حضر هر سخن در حاشیهء این کتاب نوشتم و تا بآسانی یافته شود خلاصهء متن نیز در حاشیه مرقوم گردید و بعضی ازین سخنان مسیح بدان پایه هستند که عقل بشری در ادراک آن عاجز و مدهوش‏ می‏شود،لیکن این و امثال این چیزها کم در کتاب«آئینه حق‏نما»که اکثر آن شده و نزدیک است که انشاء اللّه تعالی تمام شود بیان روشن یافته‏اند،...در دارالخلافت اگره بتاریخ‏ پانزدهم اردی بهشت سنهء2هزار و ششصد و دوازدهء ولادت حضرت خداوند ما اختتام‏[پذیرفت‏]».

متن کتاب در صفحهء 535 پایان میگیرد و پشت هر یک برگ به متن فارسی و روی هر برگ به متن لاتینی اختصاص دارد.در پایان متن،سطور ذیل افزوده شده است:

«این نامهء گرامی و دیباچهء سعادت بنده پادری زیرونیمو شویر فرنگی از طایفهء صحبت حضرت‏ عیسی بحکم شاهنشاه دوران خدیو روشن جان دارای روزگار اکبر پادشاهان خلد اللّه ملکه و سلطانه‏ از انجیل مقدس و دیگر کتب پیغمبران در دارالخلافهء اگره فراهم آورده مولانا عبدالسنارین‏ (کذا)قاسم لاهوری باتفاق این بنده در همان دارالخلافهء اگره ترجمه کرد و در سنهء هزار و ششصد و دو[ازده‏]از ولادت حضرت ایشوع و چهل و هفت الهی‏3از جلوس مقدس شاهنشاهی انجام‏ یافت.تحریرا4فی تاریخ هشتم ماه رمضان المبارک در روز چهارشنبه سنهء هزار و بیست و هفت‏5».

پس معلوم شد که این کتاب را پادری زیرونیمو شویر بدستور اکبر شاه‏ ابتدا بزبان لاتینی می‏پردازد و سپس با همراهی عبدالسنارین قاسم لاهوری در سال‏ 1027 هجری(1612 میلادی)بفارسی نقل می‏کند.بعد در سال 1639 میلادی‏ مرد فاضلی بنام Lusovico de Dieu دو متن را با یکصد صحیفه تعلیقات و یادداشتهای‏ توضیحی بچاپ میرساند.

نکته‏ای که باید یادآوری شود موضوع نام کتاب است و دربارهء اینکه چرا آنرا«داستان مسیح اما آلوده»نام نهاده‏اند باز از خود کتاب عین شرحی را که‏ مؤلف،پیش از مقدمهء کتاب می‏نویسد نقل میکنم:

«راهنمونی و هدایت صاحب ترجمه برای خوانندگان-ای عزیزان و محبوبان من این داستان‏ مسیح را پادری زیرونیمو شویر بپاکیزگی ننوشت زیرا که از حدود کتب انجیل بر آمده بسیار چیزها[ی‏]بیگانه افزود آنکه یا نایقین‏اند یا دروغ‏اند یا ببزرگواری خدا و به اخلاص دین انجیل‏ (1)-اصل:ننوشتم.

(2)-اصل:سن.

(3)-تاریخ«الهی»را اکبر شاه وضع کرد و مبدأ آن‏ جلوس او بر تخت پادشاهی است.

(4)-اصل:تحریرن

(5)-یعنی 1027 هجری

مقدس مخالفت مینمایند،بلکه همان چیزها را آنکه از کتابهای انجیل مقدس آورده است آنطور پلید ساخت ه پاکیزگی و اثر خود را تلف کردند.بنابرین در اعلی هر روی کاغذ این داستانرا آلوده خواندیم تا هیچکس از راه برده نشود.پس خوانندگان را خوب تمیز کردن باید که ازینها چه چیزها را قبول خواهند کرد یعنی هر چه بکتب انجیل مقدس موافقت میدارد اینرا یاد بکنید و در حفظ خدا بشوید.»

2-داستان سن پیدرو Historia S.Petri Persice قطع رقمی-4 برگ+144 ص

این کتاب هم بتوسط چاپ کنندهء داستان مسیح در سال 1639 میلادی در شهر لیدن چاپ شد.موضوع آن سرگذشت پطرس از حواریان مسیح است.این کتاب‏ نیز بمانند داستان مسیح«آلوده»خوانده شده است و مؤلف در سبب آن مینویسد:

«این دوستان من آنچه پند کردم بر سبب داستان مسیح همان اکنون پند میکنم بر سبب این‏ داستان سن پیدرو،یعنی که صاحبش قنوع نداشت که از حوادث مقدس حواریان بیارد آنچه در سن‏ پیدرو آنجا نوشته شد،لیکن فراوان نقلها آورد آنچه براستی موافقت ندارند و از کاتبان ناسزاوار اعتقاد گرفته شدند.

مقصود او آنست که وانماید آنکه پیدرو بر همه حواریان سرداری یافت و در شهر رومه‏ خلافت حضرت عیسی کرد آنچه از کتب انجیل یا از رسالات حواریون گواهی و اثبات نیابد و همان سن پیدرو هرگز آنرا به خود خاص نکرد و هر آینه اینست آنچه ما را باعث شد تا در اعلی‏ هر روی کاغذ این داستان را آلوده گفتیم.بنابرین بآنطور این داستان را بخوانید که شما را صاحبش‏ بازی ندهد چرا که هر چه او چون کتب انجیل میخواند و چون کتاب احوال رسولان که آنرا خجسته‏ لوقا نوشت این همه البته یقین و راستست اما همه سره‏1یا ناسره یا دروغ یا از ناپایدار ایمان‏ است و در حفظ خدا باشید.»

(1)-اصل:سایر